بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم

اَلحَمدُ لِلِه رَبِّ العالَمینَ وَ صَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا وَ حَبیبِ اِلهِنا اَبِی‌القاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلّی اللهُ عَلَیْهِ وَ عَلی آلِهِ الطّاهِرِینَ سِیَّما بَقِیَّةُ اللهِ الاَعظَم مَولانَا حُجَّةِ ِبنِ الحَسَن عجّلَ الله تَعالی فَرَجَهُ وَ لَعنَةُ اللهِ عَلی اَعدائِهِم اَجمَعینَ اِلی قِیامِ یَومِ الدّین

این مسئله گاهی سؤال می­شود که ماه مبارک رمضان که بهار قرآن است و قرآن زیاد خوانده می­شود، آیا شخصِ جُنب یا زن حائض می­تواند قرآن بخواند یا خیر؟ می­فرمایند که بله، جایز هست، آن که حرام است فقط مسِّ کتابت و خطّ قرآن است، یعنی جایز نیست در حال جنابت و یا در حال حیض با خطّ قرآن، تماسّ بدنی پیدا کند. ولی قرائت کلّ قرآن حتّی در حال جنابت و در حال حیض، جایز است مگر چهار سوره­ای که سجدۀ واجب دارند و عبارتند از: سورۀ سجده و سورۀ فُصِّلَت و سورۀ علق و سورۀ نجم، که این سوره ها، در اصطلاح آقایان فقها سُوَر عزائم نامیده می­شوند و قرائت این­ها در حال جنابت یا در حال حیض جایز نیست. غیر این چهار سوره قرائت بقیّۀ سُور و آیات، جایز است، منتها کراهت دارد.

همیشه عرض شده، کراهتِ در عبادت معنایش این نیست که ترکش بهتر است، اینجور نیست، یعنی ثوابش کمتر است، قرائت قرآن خودش عبادت است، اگر گفتیم که این عبادت در حال حیض یا در حال جنابت مکروه است یعنی ثوابش کمتر از حالت طهارت است. یعنی اگرکسی در حال طهارت، قرائتِ قرآن کند ثوابش بیشتر است امّا اگر در حال جنابت یا در حال حیض قرائت قرآن کند ثوابش کمتر است نه این‌که ترکش بهتر است، نه! به‌اصطلاح آقایان فقها کراهتِ در عبادت، به معنای اَقَلُّ ثواباً است. ثوابش کمتر است ولی به‌هرحال راجح است، مرجوح نیست. عبادتِ مکروه، مرجوح نیست که ترکش بهتر باشد.

پس قرائت قرآن در حال حیض یا در حال جنابت جایز است. و در حال جنابت تا هفت آیه، مکروه هم نیست از هفت آیه بیشتر مکروه می­شود. ولی قرائت قرآن برای زن حائض مطلقاً مکروه است، حتّی هفت آیه هم مکروه است.

بازهم عرض می­شود مکروه است، نه این‌که ترکش بهتر است، نه! به‌هرحال عبادت است و عبادت، همیشه رجحان دارد، هیچ‌وقت، عبادت ترکش بهتر از فعلش نیست. بله عبادت در فلان حال مکروه است یعنی ثوابش کمتر هست. مثل‌اینکه گفته می­شود که نماز در حمّام مکروه است، حالا کسی نماز صبحش را مثلاً رفته غسل کرده در حمّام نماز می­خواند، این نماز، درست است و وظیفه هم انجام‌شده، منتها مکروه است، این شخص، اگر همان نماز را در مسجد بخواند ثوابش بیشتر است یا همان نماز را در خانه­اش بخواند از حمّام ثوابش بیشتر است امّا درعین‌حال اگر در حمّام نماز خوانده، نمازش درست است و عبادت است. پس بر شخص حائض یا شخص جُنب قرائت قرآن جایز است، منتها مکروه است یعنی ثوابش از غیر حال جنابت و از غیر حال حیض کمتر می­شود.

**«ملکوت عالَم، به دست خداست»**

**باید پرهیزکار شویم**

در شب­های آخر ماه مبارک رمضان، این دعا از امام صادق علیه‌السّلام منقول هست:

«اللّهُمَّ وَهذِهِ أَیَّامُ شَهْرِ رَمَضانَ قَدِ انْقَضَتْ، وَلَیالِیهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ، وَ قَدْ صِرْتُ یَا إِلهِی مِنْهُ إِلی مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّی»[[1]](#footnote-2)

خدایا و این روزهای ماه رمضان است که گذشت، و شب های آن هم سپری گشت، و من – ای خدای من- در این ماه به جایی (از گناه و نافرمانی) رسیدم که تو از من به آن داناتری.

**یعنی خدایا! این روزهای ماه مبارک رمضان، سپری شد و شب­های آن هم کم­کم تمام شد و دیگر دامن خود را برمی­چیند، خدایا! من نمی­دانم در این مدّت که شب­ها و روز­های ماه پربرکت گذشته به چه حالی درآمده ام؟ آیا من چه شده­ام؟**

«قَدْ صِرْتُ یَا إِلهِی مِنْهُ إِلی مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّی»[[2]](#footnote-3)

**خدایا تو بهتر می­دانی، تو از خود من به حال من عالم­تری که من چه شده­ام؟ آیا تحوّلی،**

صَیْرورتی و دگرگونی­ای در من پیداشده­است؟ آن‌ غرض و هدفی که از تشریع این عبادت بوده آیا من به آن رسیده ام؟ که خداوند متعال فرمود:

«لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»[[3]](#footnote-4)

(هدف این است) که پرهیزکار شوید.

**نمی­دانم که حالت و ملکۀ تقوا در من پیداشده؟**

«أَعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِکَ الْکَرِیمِ أَنْ یَنْقَضِیَ عَنِّی شَهْرُ رَمَضَانَ أَوْ یَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَیْلَتِی هَذِهِ وَ لَکَ قِبَلِی ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنِی عَلَیْهِ»[[4]](#footnote-5)

به جلال ذات کریمت، پناه می بَرَم از این که ماه رمضان از من سپری شود، یا سپیده دمِ پایان امشبم بدمد در حالی که نزد تو گناه یا وزر و وبالی داشته باشم که بخواهی مرا به آن عذاب کنی.

**خدایا پناه به تو می­آورم، به جلال و عظمت و بزرگی تو پناه می­آورم از این که ماه رمضان تمام بشود یا امشب صبح بشود و هنوز در ذمّه­ی من گناهی باقی‌مانده باشد که مستحقّ عذاب تو باشم، پناه به تو می­برم،**

از این که به‌قدری من پلید و کثیف باشم که طهارت این ماهِ سراسر مغفرت در من اثر نکرده باشد و هنوز آلودگی گناه در من باقی‌مانده باشد که این ماه تمام بشود و این شب صبح بشود و هنوز من آلوده­ باشم.

«سَیِّدِی سَیِّدِی سَیِّدِی، أَسْأَلُکَ یَا لَاإِلهَ إِلّا أَنْتَ إِذْ لَاإِلهَ إِلّا أَنْتَ إِنْ کُنْتَ رَضِیتَ عَنِّی فِی هذَا الشَّهْرِ فَازْدَدْ عَنِّی رِضیً، وَ إِنْ لَمْ تَکُنْ رَضِیتَ عَنِّی فَمِنَ الْآنَ فَارْضَ عَنِّی یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ»[[5]](#footnote-6)

سَرْوَرَم، سَرْوَرَم، سَرْوَرَم، از تو درخواست می‌کنم ای که خدایی جز تو نیست، از آن رو که خدایی جز تو نیست، که اگر در این ماه، از من راضی شده ای بر رضایتت از من بیفزا، و اگر از من راضی نشده ای پس هم اکنون از من راضی باش ای مهربان ترین مهربانان.

آقای من، مولای من، سیّد من، سَرْوَر من، تو را قسم می­دهم به وحدانیّت تو « اِذْ لَا إِلهَ إِلّا أَنْتَ» خدایا! اگر در این ماه از من راضی شده­ای بر رضایتت بیفزا و اگر پناه بر تو راضی نشده باشی همین الآن بر من لطف کن، عنایت کن و از من راضی باش، توأَرْحَمُ الرَّاحِمِینی.

**خدا، منّان است**

خدا بر ما منّت گذاشته و مُوجِبات و امکانات برای تحصیل سعادت را در اختیار ما گذاشته است، ما در روزهای ماه رمضان بعد از نمازها می‌خوانیم:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَ لاَ يُمَنُّ عَلَيْكَ مُنَّ عَلَيَّ بِفَكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»[[6]](#footnote-7)

ای صاحب منّت و نعمتی که بر تو منّت و نعمتی نتوان نهاد، بر من منّت گذار به آزاد کردنم از آتش دوزخ.

**خدایا تو بر ما منّت داری که** «جَعَلْتَ فیهِ لَیْلَةَ الْقَدْرِ وَ جَعَلْتَها خَیْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ»[[7]](#footnote-8)

شب قدر را در آن (ماه رمضان) قرار دادی و آن شب را بهتر از هزار ماه ساختی.

خدایا! **بر ما منّت گذاشته­ای که شب قدر را در این ماه قرار داده­ای و هزار ماه عبادتبه‌پای عبادت در شب قدر نمی­رسد.**

این صریح قرآن است «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»[[8]](#footnote-9) شب قدر، بهتر از هزار ماه است. خداوند در یک‌شب در این ماه به قدری برکات و رحمات خودش را نازل می­کند که اگر یک کسی هشتاد سال عبادت کند، خب خیلی عمر است، هشتاد سال شبانه‌روز عبادت کند چقدر این شخص به خدا نزدیک می‌شود؟! یک عبادت در یک‌شبِ این ماه، بیش از هشتاد سال آدمی را به خدا نزدیک‌ می­کند «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ». خب خیلی برکت است، خیلی لطف و عنایت شده، منّت شده و لذا در دعا می­گوییم:

«يَا ذَا الْمَنِّ»[[9]](#footnote-10)

**ای خداوندی که منّت بر بندگان داری و کسی حقّ منّت بر تو ندارد**

«لاَ يُمَنُّ عَلَيْكَ»[[10]](#footnote-11)

**هیچ‌کسی حق ندارد بر تو منّت بگذارد و بگوید:**

من آنم که روزه گرفتم، نماز خواندم، انفاق کردم، چه کردم، ای انسان تو چه داری؟ هر چه داری از خدا داری. خب کسی چیزی ندارد که به او تحویل دهد و بگوید: خدایا! این عمل را، من به تو تحویل دادم حالا در مقابل، استحقاقی دارم! ابداً، هر چه هست مال اوست، ذُو الْمَنّ، اوست «يَا ذَا الْمَنِّ وَ لاَ يُمَنُّ عَلَيْكَ مُنََّ عَلَيَّ» «بِفَكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»[[11]](#footnote-12)

همیشه امامان علیهم‌السّلام ناله‌شان بلند می­شد که خدایا! گردن من، وجود من به آتش جهنّم نرسد، از آتش، نجاتم بده «مُنََّ عَلَيَّ بِفَكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

**اهمّیّت شب قدر**

آن‌کسانی که اهل هستند و دارای ایمان قوی و همّت بلند هستند، آن­ها به موقعیّت شب قدر پی برده­اند و لذا می­کوشند یک کاری کنند که مطمئن بشوند شب قدر را درک کرده­اند؛ چون شب قدر، مخفی است و مصلحت هم در همین بوده که مخفی باشد و ائمّه­ی دین علیهم‌السّلام تَعَمُّد داشتند که شب قدر را افشاء نکنند، و آن را مخفی نگه بدارند. در طول سال مخفی است، کدام شب از شب­های سال شب قدر است؟ مخفی است و لذا کسانی که ایمان قوی و همّت عالی داشتند در عمرشان یک سال را فقط برای عبادت انتخاب می­کردند و از اوّل سال تا آخر سال، همه‌شب، اِحیاء می­کردند، تمام شبانه‌روز در حال عبادت بودند که بتوانند آن یک شب قدر را درک کنند، و کسی که همّتش کمتر بود، حدّاقل سه ماه رجب و شعبان و رمضان را احیاء می­کرد. و کسی که همّتش از این هم کمتر بود، فقط ماه رمضان را، همۀ شبهای ماه را فقط در تمام شب­ها اِحیاء می­کرد که شب قدر را درک کنند. دیگر حداقلش این است که احیاء این سه شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم را دیگر ترک نکنند. بازهم از این سه شب، حدّاقل دو شب بیست و یکم و بیست و سوم را ترک نکنند. و لذا همواره مردم، سؤال می­کردند: آقا! در این دو شب، شب قدر را معیّن کنید، می­فرمودند: نه.

«مَا أَيْسَرَ لَيْلَتَيْنِ فِیما تَطْلُبُ »[[12]](#footnote-13)

چقدر این دو شب آسان است نسبت به آنچه می‌جویی.

حالا این‌قدر تنبلی هم درست نیست، خب همین دو شب را اگر اِحیاء کنید چه می­شود؟!

**شب جُهَنی!!**

این ماه رمضان، هم گذشت و شب­های قدر هم دوتایش گذشته، فقط فردا شب که شب بیست و سوم است باقی‌مانده است، این هم فرصت بسیار مغتنمی است که خداوند لطفی و عنایتی کند و توفیقی بدهد، همین‌که ذکر می­شود و صحبتی به میان می­آید همین که می­گوییم و می­شنویم شاید همین وسیله­ای بشود که تنبّهی در ما پیدا بشود، آمادگی برای فردا شب، پیدا کنیم.چون شب بیست و سوم از همۀ این شب­هایی که احتمال دارد شب قدر باشند قوی­تر هست و در میان اهل حدیث شب جُهَنّی معروف است؛یعنی یک مردی نامش "عبدالله بن انِس انصاری" است بود از قبیله­ی جُهَیْنَه آمده خدمت رسول اکرم صَلَّی‌اللهُ علیه و آله­ و سَلَّمَ گفته که: یا رسولَ‌الله! من در خارج مدینه زندگی می­کنم و گوسفنددار و شتردار هستم، من نمی­توانم چند شب بیایم در مدینه بمانم، شما یک‌شب را برای من معیّن کنید که من در آن شب با عائله­ی خودم بیایم در مدینه بمانم و به فضیلت شب قدر را برسم. رسول خدا هم نمی­خواست در میان مردم افشا بشود که شب قدر، چه شبی است؟ فرمود: بیا نزدیک‌تر، جلو آمد حضرت، دَرِگوشی، یک‌چیزی به او فرمود: مردم نفهمیدند، او هم رفت، بعد مردم دیدند که آن مرد، شب بیست و سوم با عائله­اش و با هر چه که داشته از خدم‌وحَشَم آمد، یک‌شب در مدینه بود و شب بیست و سوم را اِحیاء گرفت و فردا بار بست و رفت. ازاینجا مردم پی بردند به این‌که شب بیست و سوم، شب قدر است و لذا شب بیست و سوم معروف شد به شب جُهَنّی، لَیْلَةُ الْجُهَنّی.

به‌هرحال این فرصت برای ما فعلاً باقی است که جِدّاً از خداوند بخواهیم در این شب بیست و دوم که شَبِ غریبِ مولای ما مَوْلَی الْمتّقین علیه الصَّلاةُ و السّلام است، به آبروی آن حضرت به ما عنایت کند که توفیق درک شب قدر و برکات آن را به دست آوریم.

**هر چیزی، ملکوت دارد**

ما باید از آثار ملکوتی اعمال عبادی غافل نباشیم، اعمال به‌حسب ظاهر به نظر ما خیلی، قابل‌توجّه نمی­آید، هم‌زمان، هم‌مکان، هم اعمال، به نظر ما شب جمعه با شنبه خیلی فرقی ندارد، خب هر دو زمان است و می­گذرد. ماه رمضان با ماه شوّال به‌حسب ظاهر به نظر ما فرقی نمی­کند، یک قطعه­ای از زمان اسمش رمضان است و یک قطعه هم‌اسمش شوّال است، یک قطعه از زمان، اسمش جمعه است، یک قطعه هم شنبه است. به نظر ما فقط در اسم‌گذاریباهم فرق می­کند یا مکان­ها به نظر ما فرقی نمی­کند؛ حالا زمین مکّه و مدینه با زمین لندن و پاریس فرقی نمی­کند، آنجا هم یک قطعه زمین است، اینجا هم یک قطعه زمین است چه فرق می­کند؟! چه‌بسا زمین لندن و پاریس خیلی روشن‌تر و زیباتر هم باشد مثلاً. بله بحث ظاهر این‌جوری است امّا آثاری که واقعاً این قطعات زمان و مکان‌دارند خیلی فرق می­کند؛ اعمال ما، سَجده­های ما، رکوع­های ما، اذکار ما، لحظه‌به‌لحظه‌ی عمر ما، این‌ها آثار ملکوتی دارد. قرآن تصریحبه این دارد که هر چیزی ملکوت دارد.

«فَسُبْحانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْ‌ءٍ»[[13]](#footnote-14)

**پس منزّه است خداوندی که مالکیّتِ همه چیز در دست اوست.**

**هر چیزی ملکوت دارد.**

ماوراء این عالَم حس و عالَم طبیعت، یک عالَم دیگری هست؛ عالَم غیب که به‌منزله‌ی مادر است برای این عالم یعنی اجزای این عالم از شکم آن عالم زاییده می­شود.

«وَ إِنْ مِنْ شَيْ‌ءٍ إِلَّا عِنْدَنا خَزائِنُهُ وَ ما نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»[[14]](#footnote-15)

و هیچ چیز نیست، مگر آنکه خزائن آن نزد ماست، ولی ما جز به اندازۀ معیّنی، آن را نازل نمی‌کنیم.

**هر چیزی که در این عالم هست، کُلُّ شیءٍ، زمان، مکان، جمادات، نباتات، حیوانات، انسان‌ها، نگاه شما، گفتار شما، سَجده و رکوع شما، تمام الفاظ شما، حرکات شما، سکنات شما، همه­ی این‌ها ملکوت دارد، خزائن دارد و به‌قدری که ما تقدیر کرده­ایم در این عالم فرود می­آوریم.**

«ما أَصابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَها»[[15]](#footnote-16)

هیچ مصیبتی، (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد مگر این که همۀ آنها، قبل از آن که زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است.

**هر چه که به شما می­رسد، چه خیر و چه شر، هر چه که می­رسد، قبلاً در عالم دیگری تقدیر شده است و سپس و از ملکوتش در این عالم نازل می شود همۀ این‌ها چهره­ی ملکوتی دارند.**

«بَلْ كَذََّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْْتِهِمْ تَأْْوِيلُهُ»[[16]](#footnote-17)

بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، در حالی که هنوز واقعیّتش، بر آنان روشن نشده بود!

می‌فرماید: تأویل حقایق نیامده، یعنی حقیقت چهرۀ عالَم نیامده، بعد از این مکشوف می­شود، حالا فعلاً برای شما مکشوف نیست.

«لَقَدْ كُنْتَ في‏ غَفْلَةٍ مِنْ هذا فَكَشَفْنا عَنْكَ غِطاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَديدٌ»[[17]](#footnote-18)

تو از این صحنه غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم و امروز چشمت، تیز بین است.

**یک روزی می­آید، آن، روزِ شهود است، روزِ کشف است، آنچه که شما نسبت به آن، در غفلت بودید آن روز، مشهود می­شود.**

**ملکوت روز جمعه و کعبه**

فعلاً ما چهرۀ ظاهری‌اش را می­بینیم، الآن چهرۀ ملکوتی­اش را نمی­بینیم. دربارۀ ملکوت روز جمعه فرمود: «يَجِيئُ کَاَلْعَرُوسِ» روز قیامت، همین روز جمعه مجسّم خواهد شد، آن تأویل و ملکوت روز جمعه خواهد آمد یعنی روز جمعه مانند یک عروسِ زیبایی وارد محشر می­شود.

«اِنَّ الْکَعْبَةَ تُحْشَرُ کَالْعَرُوسِ الْمَزْفُوفِ، کُلُّ مَنْ حَجَّ حَجَّها یَتَعَلَّقُ بِاَسْتارِها یَسْعَوْنَ حَوْلَها حَتّی تَدْخُلَ الْجَنَّةَ فَیَدْخُلُونَ مَعَها» روز قیامت، کعبه به صورت یک عروس زیبا و آراسته­ وارد محشر می‌شود شب زفاف می­خواهند به خانه­ی داماد ببرند و تمام کسانی که دور او طواف کرده­اند اطراف او را می­گیرند و به دامن او آویخته می­شوند، او آنگاه داخل بهشت می­شود و آن‌ها هم همراه او داخل بهشت می­شوند. معصوم علیه السّلام دربارۀ حَجَرالأسود؛ که ما، آن را سنگ سیاهی می­بینیم و در زاویۀ کعبه نصب شده است، فرمود:

«لَهُ لِسَانٌ نَاطِقٌ وَ عَیْنٌ نَاظِرَةٌ یَشْهَدُ لِکُلِّ مَنْ وَافَاهُ إِلَی ذَلِکَ الْمَکَانِ»[[18]](#footnote-19)

**حَجَر الاسود، روز قیامت، موجودی است که چشم بینا و زبان گویا دارد، وارد محشر می­شود و شهادت می‌دهد که تمام کسانی که در این دنیا او را استلام کرده­اند با من تجدیدعهد کرده­اند.**

**ملکوت قرآن و نماز**

چهرۀ ملکوتی قرآن، به‌صورت زیبایی وارد محشر می­شود، به صورت جوانی زیباروی که تمام انبیاء و فرشتگان را متحیّر می­کند، روز قیامت نور جمال قرآن فرشتگان و انبیاء را به حیرت می­افکند. نمازی که ما می­خوانیم در شب اوّل قبر به‌صورت انسانی خوش­بو و خوش­رو اَنیس ما خواهد بود. ما وقتی‌که از دنیا رفتیم همه چیز از ما جدا می­شود، ولی ملکوت اعمال ما با ما خواهد بود، این عمل ما در این دنیا یک حرکتی است که از ما صادر می­شود و این حرکت، ملکوتی دارد همین حرکات ما، همین سَجدۀ ما، همین رکوع ما، ظاهرش این است ولی ملکوت دارد، ملکوت او در شب اوّل قبر با ما همراه خواهد بود. اگر این اعمالی که انجام می­دهیم توجّه داشته باشیم که با روح و با اخلاص انجام بدهیم، همۀ این‌ها در محشر و برزخ به داد ما خواهند رسید. همۀ اعمالی که در این ماه رمضان انجام داده­ایم، انفاقاتی که می­کنیم، همین­ها در برزخ و محشر عجیب آثار خواهند داشت.

**اهمّیّت افطاری دادن**

فرمود که هر کس در روز ماه مبارک رمضان صائمی را افطار بدهد به‌قدری برکات دارد که به تعداد آن نفراتی که سر سفره­ی شما آمده­اند، ثواب به شما داده می­شود، یک نفر آدم، صد نفر مثلاً دعوت کرده، به‌قدر صد نفر ثواب می‌برد حالا هر نفری هشتاد سال عبادت کرده ­باشد، چقدر این ثواب خواهد داشت! البتّه باید افطاری دادن، خالص باشد، با توجّه و با حضور قلب باشد.

«مَنْ فَطَّرَ مِنْکُمْ صَائِماً مُؤْمِناً»[[19]](#footnote-20)

منظور از افطاری دادن، مثلاً دادن یک دانۀ خرما، یا دادن یک انگشت حلوا، نیست، این افطار نیست. به قول آقایان افطار، انصراف دارد به سیر کردن «مَنْ فَطَّرَ مِنْکُمْ صَائِماً» یعنی سیر کند نه اینکه یک‌ذرّه حلوا بدهد، یا یک‌دانه خرما بدهد، این، منظور نیست، منظور این است که سیر کند. حالا اگر گفتند اطلاق دارد، اطلاقش هم به قول آقایان انصراف دارد به سیر کردن «مَنْ فَطَّرَ مِنْکُمْ صَائِماً مُؤْمِناً» یعنی یک شخصی را سیر کند، حالا آدم یک کیلو خرما بخرد یک‌دانه به این بدهد یک‌دانه به آن، و بگوید من صد نفر را اطعام کردم، سر خدا کلاه نمی­رود به این کیفیّت، و به این زرنگی کردن اگر در روایت هم داریم « وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ وَ لَوْ بِشَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ»[[20]](#footnote-21) این برای فقرا است که دستشان نمی­رسیده. چون سؤال کردند که «لَیْسَ کُلُّنَا یَقْدِرُ عَلَی ذَلِکَ»[[21]](#footnote-22)این‌که شما فرمودید افطار مؤمن این‌قدر ثواب دارد خب ما نمی­توانیم، فرمود که «اتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ اِتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ»[[22]](#footnote-23) ولو یک خرمایی، نصف خرما هم باشد، این معلوم است مال اغنیاء نیست افراد ثروتمندی که می­توانند انفاق کنند، و شکم­ها سیر کنند، این‌ها یک نصف خرما بدهند و بگویند من افطار مؤمن داده­ام! این‌جور نیست، آن‌ افطار نصف خرما مال آن‌کسانی بوده که نداشته­اند و گفته­اند: «لَیْسَ کُلُّنَا یَقْدِرُ عَلَی ذَلِکَ»شما که نمی­توانید و قدرت ندارید که اطعام کنید،

اَیُّهَا النَّاسُ! مَن فَطَّرَ مِنکُم صائِماً مُؤمِناً فی هذَا الشَّهرِ کَانَ لَهُ بِذٟلِکَ عِندَ اللهِ عِتقُ نِسمَةٍ وَ مَغفِرَةٌ لِمَا مَضیٟ مِن ذُنُوبِهِ. قیل یا رسول الله! فلیس کلُّنا یقدر علی ذلک فقال صلّی الله علیه و آله و سلم: اتقوا النار و لو شقّ تمرة، اتقوا النّار و لو بشربة من مآء.

ای مردم، هر که از شما، روزه دار مؤمنی را در این ماه، افطار دهد، نزد خدا، پاداش بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته اش خواهد داشت.برخی از اصحاب گفتند: یا رسول الله، همۀ ما قادر به انجام آن نیستیم.حضرت فرمود: با افطار دادن روزه داران، از آتش جهنّم بپرهیزید اگر چه به نصف دانۀ خرما و یا به جرعۀ آب باشد.

از طرفی هم‌دلتان می­خواهد به ثواب آن برسید؛ بسیار خب حالا که شما نیّت خالصی دارید، واقعاً آرزومندید به ثواب افطار مؤمن برسید و ندارید، برای شما یک نصف خرما هم کافی است، باید نیّت، خالص باشد، کیفیّت منظور است، در این صورت یک نصف خرما یا یک شربت آب هم دادید؛ قبول است.

**واقعاً مردم فقیر بودند**

البتّه مردم در آن‌وقت واقعاً نداشتند که سؤال هم کردند، مستقیل بودند،آن‌ها که مهاجر بودند هیچ­چیزی نداشتند؛ زندگی را رها کردند و آمدند، خانه­ای داشتند، گذاشتند و آمدند، فرشی رها کردند، هیچ‌چیزی نداشتند، فقیرانه به مدینه آمدند. خب اهل مدینه هم آن‌قدر ثروتمند نبودند که همه را اداره کنند، معلوم است که فقیر بودند. مهاجرین در یک صُفّه­ای زندگی می­کردند، خانه­ای نداشتند، در جنب مسجد صُفّه­ای بود و سکّویی بود و آنجا زندگی می‌کردند، بعضی ها حتّی ساتر عورت هم نداشتند، یک لنگی به خودشان می­بستند، چه‌بسا شب­ها بی­شام می­خوابیدند، یک همچنین اشخاصی بودند.

حتّی در تاریخ می­خوانیم که پیغمبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سَلَّمَ کسی را فرستاد به یک قبیله­ای در خارج مدینه که امام جماعت باشد، این شخص، ساتر عورت نداشت، یک لنگی به خودش بسته بود، که کوتاه بود، وقتی رکوع می­رفت عورتش از پشت سر پیدا بود، زن­ها صدایشان درآمد گفتند:

«وَارُوا عَوْرَةَ اِمامِکُمْ»

**عورت پیش­نمازتان را بپوشانید.**

یک پیراهن بلندی به او دادند، که پوشید وخیلی خوشحال شد، و گفت:

«مَا اسْتَفَدْتُ بَعدَ الاِسلام فائدةً بِمِثلِ مَا استَفَدْتُ مِن هذا القَمیصِ وارَیتُ به عَوْرَتی»

**بعد از نعمت اسلام، هیچ نعمتی برای من به این اندازه خوشایندنبود که این پیراهن را به من دادید تا عورتم را بپوشانم.**

این‌جور فقیر بودند و می­گفتند: ما نداریم و دلمان می­خواهد افطار مؤمن بدهیم خب «وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ»[[23]](#footnote-24) یا «وَ لَوْ بِشَرْبَةٍ مِنْ مَاء»[[24]](#footnote-25) آن‌هایی که همه نوع ­امکانات را دارند. می­گوییم کسی که ندارد سفره پهن کند و همان‌ پولی که می­دهد یک کیلو خرما بخرد، بدهد به یک نفر سیرش کند، نه اینکه بین صد نفر تقسیم کند که به هیچجا هم نرسد، یک دِهِ آباد بِه از صد شهر خراب همان یک کیلو خرما را به یک نفر بدهد سیرش کند لااقل، یک شکمی سیر بشود که این حدیث صدق بکند «مَنْ فَطَّرَمِنْکُمْصَائِماًمُؤْمِناً»

**عبادت، نباید سلیقه ای باشد**

به‌هرحال افطاری دادن باید سلیقه­ای نباشد چون غالباً عبادت­های ما سلیقه­ای می­شود و هرکسی به نظرش، یک چیزی می­آید و اگر سلیقه­ای بشود، آن حال عبادت بیرون می­رود مثلاً الآن عمره رفتن خیلی سلیقه­ای شده، هرسال مثلاً عمره رفتن و بعضی­ها در سال چند بار عمره می‌روند و گاهی هم خانوادگی می‌روند، زن و بچّه­ها را جمع می­کنند و عمره می‌برند. و چندین بار هم می‌برند. چه‌بسا در فامیل خودشان افراد بینوایی باشند که نیاز دارند، کرایۀ ‌خانه‌اش معطّلی دارد، دختری بی‌بضاعت دارد که می­خواهد خانه­ی شوهر برود پول ندارد، این پولدارها می­توانند این‌ بی بضاعتها را رعایت کنند، به سلیقه نباشد، بگوید: من دلم می­خواهد مثلاً هرسال عمره بروم، دلم می‌خواهد بچّه­ها را ببرم و چه ‌بسا یک خانواده­ای هشت‌نفری بخواهند مکّه بروند و برگردند شاید دو، سه میلیون خرج کنند خب همین را بده به یک کسانی که واقعاً بیچاره­اند و آبرومند هستند که زندگی‌شان مختلّ است و با یک‌میلیون می­شود دختری را به خانۀ شوهر فرستاد، این‌ها سلیقه­ای می­شود که می‌گوید دلم می‌خواهد چنین کنم، دلم می­خواهد غیر آن است که خدا می­خواهد.

**بهترین کارها در ماه رمضان**

به‌هرحال منظور این بود که عبادات در این ماه رمضان فراوان است، از همۀ عبادت ها بالاتر که هیچ عبادتی به‌پای آن نمی­رسد، همان عبادتی است که أفضلُ السّائلین سؤال کرده از أَفْضَلُ الْمَسْئُولین؛ أفضلُ السّائلین، وجود اقدس امیرالمؤمنین علیه الصَّلاةُ و السّلام است که او سؤال کرده از أفضلُ المَسْئُولین که رسول خدا صَلَّی الله علیه و آله­ وَ سَلَّمَ، است. سؤال کرده:

«یا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِی هَذَا الشََّهْرِ؟»[[25]](#footnote-26)

ای رسول خدا! در این ماه (رمضان)، بهترین کارها چیست؟

خب هر دو جواب را می­دانند، خود مولا هم می­داند ولی می­خواهند در مجمع مردم، او سؤال کندو رسول خدا هم جواب بدهد که همه بشنوند که دو معصوم؛ یکی سائل و دیگری مسئول از افضل الاعمال صحبت می‌کنند.مولی پرسید: یا رسول‌الله! در این ماه رمضان، بهترینِ اعمال کدام است؟ قرآن زیاد بخوانم؟ دعای ابوحمزه زیاد بخوانم؟ شب‌زنده‌داری کنم؟ کدام بهتر است؟ فرمودند:

«أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِی هَذَا الشََّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ»[[26]](#footnote-27)

بهترین کارها، در این ماه (رمضان)، ترک حرامهای الهی است.

می­خواهید خدا شمارا دوست بدارد؟ می خواهیدکاری که خداپسند باشد انجام بدهید نه کاری که خودتان می­پسندید. آن را که خدا می­پسندد؛ ترک مَحارم و ترک گناهان است، گناه نکنید، حالا به سایر اعمال مستحبّی هم نرسیدید، عیبی ندارد، خیلی ناراحت نباشید، گناه نکنید. اگر می­بینید در زندگی گناه دارید، در کسب‌وکارتان، در معاشرتتان، در خانه‌تان، در زن­داری، بچّه­داری، گناه دارید آن گناه را ترک کنید.اگر مدام، فشار روی دعا می‌آورید، مدام شب تا صبح شب‌زنده‌داری می‌کنید، دعا می‌خوانید، این بهترین کار، نیست؛ بهترین کار این است که ترک مَحارم کنید، گناه را برای خدا ترک کنید، چون خود ترک معصیت، عبادت است. نماز می­خوانید عبادت است، روزه عبادت است، ترک معصیت بهترین عبادات است. کسی که دستش برای گناهی بازشده، می­تواند گناه کند، می­گوید: خدایا! قربةً الی الله همین گناه را ترک می­کنم، گاهی در کسب‌وکارش می­تواند گناه کند مثلاً، یک معامله­ی خیلی پرسود پیش‌آمده و می­داند درست هم نیست، می­گوید: خدایا! برای رضای تو این کسب گناه آلود را ترک می­کنم این از نماز هم بهتر است، حالا فرض کنید یک ساعت نماز بخواند و به جماعت هم بخواند و بعد، آن گناه را، انجام بدهد، این فایده ندارد. بهترین اعمال «اَلْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ» است، فشار را آنجا بیاورید نه روی دعا و قرآن و غیره. فشار آنجا باشد که معصیت را برای رضایت خدا ترک کند، ترک معصیت قُربةً الی الله، عبادت است

**گناه موقّت و گناه دائمی**

تذکّر این نکته هم لازم است که بسیاری از گناهان ما، گناه دائمی است که باید مراقب آن باشیم. بعضی از ما عَلَی­الدَّوام گناه می­کنیم و توجّه هم نداریم، توضیح مطلب این است که بعضی از گناه­ها موقّت است و بعضی دائمی. گناه موقّت مثل این که یک نفر شراب می­خورد بالاخره ده دقیقه، یک ساعت شراب خورد، بعد تمام‌ می‌شود، دیگر همه­اش که شراب نمی­خورد.گناه کرده، امّا موقّت بوده، همیشه که نیست ولی بعضی گناهان، همیشگی است، علی­الدّوام است، مثل آن آدمی که غاصب است، خانه­ای را، مغازه­ای را، چیزی را غصب کرده خدا علی­الدّوام بالای سرش می­گوید که به صاحبش رد کن، به صاحبش رد کن، برای این آدم در هرلحظه‌ای، در هر نَفَسی گناه می­نویسند، حتی در همان حال نماز هم می­خواند، در همان حال هم برای این جهتش گناه می­نویسند. برای نمازش ثواب می­نویسند ولی در همان حال برای این گناهش هم گناه می­نویسند؛ زیارت امام رضا علیه‌السّلام رفته در حرم ایستاده می‌گوید: السّلامُ علیک یَا بْنَ رَسولِ‌الله، در همان حال برایش گناه می­نویسند برای این‌که غاصب است، حقّ مردم را غصب کرده، دَیْن مردم را می­تواند ادا کند و ادا نمی­کند، علی‌الدَّوام بالای سرش می­گویند: «اَدِّ دَیْنَکَ» دینت را ادا کن. «اَدِّ دَیْنَکَ» این شخص، در هر نَفَسی دارد نافرمانی می­کند، در همان حال نمازش، در همان حال زیارتش، در همان حال دعایش، در حال قرآن خواندنش، در همان حال هر نفس که می­زند برایش گناه می­نویسند برای این‌که این گناه غصب، دائمی است. یا اینکه گناهانی دارد امّا توبه نمی­کند، توبه واجب فوری است، فوراً باید از آن گناهش توبه کند، علی‌الدّوام خدا بالای سرش می­گوید: توبه کن، توبه کن، در هر نَفَسی که از این امر نافرمانی می­کند برایش گناه می‌نویسند، پس بعضی از گناهان، موقّت است و بعضی، دائمی مسئلۀ غصب یک گناه دائمی است، مسئله­ی ترک اَدای دَیْن مردم، یک گناه دائمی است. به مردم مدیون است و می­تواند بدهد ولی نمی­دهد عَلَی‌الدَّوام برایش گناه می­نویسند؛ در هر نَفَسَش حتّی در حال خواب برایش گناه می­نویسند، باید مراقب باشیم که این گناهان چه‌بسا خیلی مصیبت، به‌بار می‌آورد بعد هم می‌گوییم چرا در زندگی گرفتاری داریم؟! مشکلات داریم؟! خب برای همین است، به‌قول‌معروف، چوب خدا صدا ندارد، خب بله ما چوب می­خوریم، غالباً هم توجّه نداریم و به‌هرحال این­ها اعمال عبادی است که به ما می­گویند شما مراقب باشید در این ماه مبارک رمضان جوری نشود که ماه تمام بشود و شما از گناه بیرون نرفته باشید.

«أَعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقَضِيَ عَنِّي شَهْرُ رَمَضَانَ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَ لَكَ قِبَلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ»[[27]](#footnote-28)

**با گریه، موعظه می‌کرد!!**

مولی­المتّقین امیر­المؤمنین سلام‌الله‌علیه همواره مردم را موعظه می­فرمود و دادوفریادش بلند بود، حتّی گاهی در میان مردم یا در بازار گریه می­کرد و موعظه می‌کرد خب یک مردی مانند علی علیه‌السّلام در بازار و درملأعام با صدای بلند گریه کند معلوم است که چقدر ناراحت است چون پدر است و می­داند این فرزندش دارد به طرف ضلالت و گمراهی می­رود و خودش هم توجّه نمی­کند؛ در وسط بازار باصدای بلند گریه می‌کرد و می فرمود «یا عَبيدَ الدُّنْيا[[28]](#footnote-29)» ای دنیاپرستان، ای بنده­های دنیا، ای عُمّال و مزدوران اهل دنیا، شما که روز مشغول کسب و کاسبی هستید و مدام قَسَم می­خورید تا متاعتان را بفروشید و متاع مردم را کَساد کنید، شما که دارید برای دنیا کار می­کنید شب هم که می­خوابید، پس کی می­خواهید برای آخرت بار ببندید؟! «مَتی تُجَهَّزُونَ الزّادَ وَ تُفَکِّرونَ فِی المَعادِ؟» کی می­خواهید زاد و توشه­ی خود را بردارید و به فکر معاد باشید؟

«عِبَادَ اللَّهِ الْآنَ فَاعْمَلوُا» ای بندگان خدا، همین حالا کار کنید

**ای بندگان خدا! همین حالا که فرصت باقی است به فکر خود باشید و کارکنید.**

هنوز قلم­ها می­نویسد، هنوز نامه­ی عمل باز است و بسته نشده، ولی یک‌لحظه ای خواهد آمد که نَفَس، بند می‌آید و نامه­ی عمل بسته‌ می‌شود، دیگر توبه­ی شما را نمی­پذیرندتا فرصت باقی است توبه کنید.

**کفّار نکشتند، مسلمانها کُشتند**

مولی، گاهی بالای منبر گریه می­کرد، گاهی در میان مردم با صدای بلند گریه می­کرد تا این‌که بالاخره شب نوزدهم ماه رمضان همان مردم، فرقش را شکافتند، با فرق شکافته به خانه­اش آوردند، همان مردمی که مثلاً مقدّس هم بودند، نماز شب خوان هم بودند، به دست همان‌ها کشته شد؛ کفّار نکشتند، خود مسلمان­ها، خود مؤمنین، همین­ها کشتند مولای خودشان را. وقتی هم که­خواستند بدن مطهّرش را دفن کنند آیا باید آن شخصی که بزرگ­مردِ در عالَم انسان است، در عالم خلق است، جنازۀ او را باید مخفیانه دفن کنند؟! یعنی این مردم حتّی بعد از شهادت هم با جسد مبارکش کار داشتند و لذا برای این­که به این بدبختی مبتلا نشوند وصیّت کرد که شبانه جنازه­ام را تشییع کنید، شبانه دفنم کنید، چند نفر تشییع کردند؟ چند نفر از فرزندان خودش بودند، چند نفر از اصحاب خاصّش بودند، بدن مطهّر را بردند در خارج شهر دفن کردند که آن ­روز بیابانی بود قبر، مخفی بود تا این که در زمان امام صادق علیه­السّلام معلوم شد قبر مقدّس مولا کجاست، وقتی بدن مطهرّش را در میان خاک نهادند و دفن کردند یکی از اصحاب بزرگوارش که خیلی موردعلاقه‌اش بود به نام صَعْصَعَةِ بن صَوْحان، که مرد سخنور و خطیبی بود، خیلی بزرگوار بود، این مرد آمد با دوزانوی ادب نشست کنار قبر مطهّر درحالی‌که اشک می­ریخت دست خودش را روی قلب خودش گذاشت و با دست دیگرش مشتی خاک از روی قبر برداشت و ریخت روی سرش و گفت:

«بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَا امیرَ المؤْمنین»

**پدر و مادرم به قربانت یا امیرَالمؤمنین.**

«هَنِيئاًلَكَیَا اَبا الْحَسَن»

**گوارا باد بر تو این زندگیِ بابرکت.**

باخدا زندگی کردی، برای خدا جِهاد کردی، برای خدا جان دادی. «هَنیئاً لَکَ یا اَبَا الحَسَن» این مردم، اگر حرف تو را می­شنیدند از زمین و آسمان برایشان نعمت می­جوشید ولی یالَلْعَجَب که تو را نشناختند، قدر تو را ندانستند «بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَا امیرَ المؤْمنین» چندجمله‌ای گفت گریه کرد و همراهان را گریانید.

صَلَّی اللهُ علیکَ یا مولانا یا امیرَالمُؤْمِنین

صَلَّی‌اللهُ عَلَیْکَ وَ عَلی آلِ بَیْتِکَ الطّاهِرینَ

پروردگارا! به حرمت امیرالمؤمنین، در فرج امام زمان ما تعجیل بفرما.

گناهان ما را بیامرز.

توفیق بندگی با خلوص نیت به ما عنایت بفرما.

به حرمت امیرالمؤمنین ما را فردا شب از برکات آن شب محروم نفرما.

توفیق بهره­برداری با خلوص نیّت به ما عنایت بفرما.

حسن عاقبت به همه‌ی ما عنایت بفرما.

1. . مفاتیح‌الجنان،اعمال شب‌های دهۀ آخِر ماه رمضان؛ زادالمعاد،جلد ۱، صفحه‌ی ۱۳۶. [↑](#footnote-ref-2)
2. .مفاتیح‌الجنان،دعاهای شب‌های دهۀ آخِر ماه رمضان؛زادالمعاد،جلد ۱،صفحه‌ی ۱۳۶. [↑](#footnote-ref-3)
3. . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 183. [↑](#footnote-ref-4)
4. . الکافي،جلد ۴،صفحه‌ی ۱۶۰. [↑](#footnote-ref-5)
5. . مفاتیح‌الجِنان،دعاهای شب‌های دهۀ آخِر ماه رمضان؛ إقبال الأعمال،ج ۱، صفحه‌ی 24. [↑](#footnote-ref-6)
6. . مفاتیح‌الجِنان، دعای بعد از نمازهای واجب در ماه مبارک رمضان(یا عَلِیُّ یا عَظیمُ)؛إقبالُ الأَعمال،جلد ۱،صفحه‌ی ۲۴‌. [↑](#footnote-ref-7)
7. . مفاتیح‌الجِنان، دعای بعد از نمازهای واجب در ماه مبارک رمضان (یا عَلِیُّ یا عَظیمُ)؛إقبالُ الأَعمال،جلد ۱،صفحه‌ی ۲۴‌. [↑](#footnote-ref-8)
8. . سوره‌ی قدر، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-9)
9. .إقبالالأعمال،جلد ۱،صفحه‌ی 24. [↑](#footnote-ref-10)
10. .إقبالالأعمال،جلد ۱،صفحه‌ی 24. [↑](#footnote-ref-11)
11. .إقبالالأعمال،جلد ۱،صفحه‎‌‌ی 24. [↑](#footnote-ref-12)
12. . تفسیر نور الثَّقَلَیْنِ: جلد 5،صفحه‌ی 624، حدیث 58 و مفاتیح الجنان، اعمال مخصوص شبهای قدر [↑](#footnote-ref-13)
13. . سوره‌ی یس، آیه‌ی 83. [↑](#footnote-ref-14)
14. . سوره‌ی حِجر، آیه‌ی 21. [↑](#footnote-ref-15)
15. . سوره‌ی حدید، آیه‌ی 22. [↑](#footnote-ref-16)
16. . سوره‌ی یونُس، آیه‌ی 39. [↑](#footnote-ref-17)
17. . سوره‌ی ق، آیه‌ی 22. [↑](#footnote-ref-18)
18. .الکافي،جلد ۴،صفحه‌ی ۱۸۴‌. [↑](#footnote-ref-19)
19. . الأمالی (للصدوق)، جلد 1، صفحه‌ی 93. [↑](#footnote-ref-20)
20. . الأَمالی (لِلصّدوق)، جلد 1، صفحه‌ی 93. [↑](#footnote-ref-21)
21. . الأَمالی (لِلصّدوق)، جلد 1، صفحه‌ی 93. [↑](#footnote-ref-22)
22. . الأَمالی (لِلصّدوق)، جلد 1، صفحه‌ی 93. [↑](#footnote-ref-23)
23. .بِحارالأنوار،جلد ۹۳،صفحه‌ی ۳۵۶‌. [↑](#footnote-ref-24)
24. .بِحارالأنوار،جلد ۹۳،صفحه‌ی ۳۵۶‌. [↑](#footnote-ref-25)
25. . کتاب اِقبالُ الْاَعمال، جلد 1، صفحه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-26)
26. . کتاب اِقبالُ الْاَعمال، جلد 1، صفحه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-27)
27. .الکافي،جلد 4،صفحه‌ی ۱۶۰. [↑](#footnote-ref-28)
28. . ...فَنَظَرَ اِلَی النّاس یَبیعُونَ وَ یَشتَرُونَ فَبَکیٟ بُکاءً شَدیداً ثُمَّ قَالَ: یا عَبیدَ الدُّنیاد وَ عُمّالَ اَهلِها! اِذا کُنتُم بِالنَّهارِ تَحْلِفُونَ وَ بِاللَّیلِ فی فِراشِکُم تَنَامُونَ وَ فی خِلالِ ذلکَ عَنِ الآخرة تغفُلوُنَ فَمَتی تُجَهَّزُونَ الزّادَ وَ تُفُکِّرونَ فِی المَعادِ؟! ...

    (امیر المؤمنین علی علیه السلام در بازار بصره) به مردم که در حال خرید و فروش بودند نگاهی کرد و سخت گریست و آن گاه فرمود: ای بردگان دنیا و کارگران اهل دنیا! روز را به سوگند خوردن می گذرانید و شب را به خوابیدن در بسترهایتان، و در این میان، از آخرت غافلید، پس کِی توشۀ آخرت فراهم می آورید و در کار معاد می اندیشید؟... بحار الانوار، 41/422/77 [↑](#footnote-ref-29)